

خطبه ۱۷۸ نهج البلاغه

از سخنان امام(ع) که در مورد گواهی به وحدانیت خداوند و بر رسالت رسول خدا(ص) و تقوا ایراد فرموده است. و گفته شده که این خطبه را پس از قتل عثمان در آغاز خلافتش ایراد کرده است [۱]

خدا و پیامبرش هیچ کاری وی را به خود مشغول نمی‌سازد، و گذشت زمان در او دگرگونی ایجاد نمی‌کند، و مکانی وی را در بر نمی‌گیرد، هیچ زبانی قدرت توصیفش را ندارد. نه تعداد فراوان قطرات آبها و نه ستارگان آسمان، نه ذرات خاک همراه گرد بادها در هوا، و نه حرکات مورچگان بر سنگهای سخت و نه استراحتگاه مورچه‌های ریز در شبهای تاریک، هیچکدام از اینها از او مخفی و پنهان نیست او بخوبی از محل سقوط برگها و حرکات مخفیانه چشمها آگاه است.

و گواهی می‌دهم که جز «الله» خدائی نیست و همتائی برایش تصور نتوان کرد، شک و تردیدی در هستی‌اش وجود ندارد، به آئینش کافر نیستم و خلقتش را انکار نمی‌کنم. شهادت کسی که نیتش راست، درویش پاک، یقینش خالص و میزان عملش سنگین است. و گواهی میدهم که محمد(ص) بنده و فرستاده برگزیده وی از میان خلایق است. که برای تشریح حقائق آئین خدا انتخاب شده، و به ویژگیهای خاص اخلاقی گرامی داشته و او را برای رساندن رسالتهای کریمانه‌اش برگزیده، و همو است که به وسیله وی نشانه‌های هدایت آشکار، و تاریکیهای کوری ضلالت جلا و روشنی یافته است. (تا همگان آنرا بشناسند و حذر کنند)

ای مردم! دنیا آرزومندان و دلبستگان خود را می‌فریبد از وعده‌های دروغین به علاقمندان خود بخل نمی‌ورزد، و بر آن کس که بر دنیا پیروز گردد چیره خواهد شد (و سر انجام او را هلاک خواهد نمود) سوگند به خدا، ممکن نیست هیچ ملتی از آغوش ناز و نعمت زندگی گرفته شده باشند مگر به واسطه گناهای که مرتکب شده‌اند زیرا «خداوند به بندگان ستم روا نمیدارد». اگر مردم آنگاه که بلاها نازل می‌شود و نعمتها را از آنها سلب می‌کند،

با صدق نیت در پیشگاه خدا تضرع کنند و با قلبهای پر محبت نسبت به پروردگار، از او درخواست نمایند، مسلماً آنچه از دستشان رفته باز خواهد گشت، و هر گونه مفسده‌ای را بر ایشان اصلاح خواهد نمود. من از این می‌ترسم که شما در جهالت و غرور قرار گرفته باشید، چه اینکه در

جریانات گذشته به سوئی مایل شدید که از نظر من قابل تمجید نبود، اما اگر وضع شما بار دیگر تغییر کند(و همچون زمان پیامبر، مسلمانانی خالص گردید) سعادت مند خواهید شد، وظیفه من جز تلاش و کوشش نیست. اگر می‌خواستم بگویم و کوتاهی‌های شما را در باره خود باز گو کنم) می‌گفتم، اما امید است خداوند از گذشته صرف‌نظر کند!

نتیجه

[۱] «ابن ابی الحدید» می‌گوید:

این خطبه را امام در آغاز خلافتش پس از قتل عثمان ایراد فرموده است (جلد ۱۰ ص ۶۲)
ابن شاکر لیشی قسمت اول این خطبه را تا «و ثقلت موازین» در کتاب «عیون الحکم» آورده.
و زمخشری در جزء اول «ربیع الابرار» (خطی) ص ۱۶۲ باب «تبدل الاحوال» قسمت دیگری از آن یعنی از «و ایم الله ما کان فی قوم قط» الی «و اصلح لهم کل فاسد»
را نقل نموده. و ابن «اثیر» در کتاب نهایه کلمات پیچیده این خطبه را تفسیر کرده از جمله در جزء سوم ص ۲۸۲ ماده «عقل» جمله «المختص بعقائل کراماته» را تفسیر نموده است.
(مصادر نهج البلاغه جلد ۲ ص ۴۳۵)